

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## در کشور عزیز ما افغانستان چه می‌گذرد؟

تداوم روش غیر اخلاقی پیامدهای بدتری خواهد داشت  
نباید فرهنگ گفتمان سیاسی مغلوب آفت فساد شود

رهبری نامحسوس، همه جا حاضر و همیشه ناپیدا  
بنمایش گذاشتن چهره قابل تحمل از "طالب"ها  
خودبزرگ پنداشتن و رسیدن به کوچه توهم  
ایجاد هاله ای از قدرت

همانگونه که درگیری‌های داخلی در منطقه و کشورهای درگیر تاحدودی بسمت تخفیف منازعات پیش می‌رود، چشم اندازها و چالش‌های بازسازی آشکارتر می‌گردد. کشورهای درگیر منطقه گواينکه هر کدام چشمانداز منحصربفرد پس از درگیری‌های داخلی را دارند، اما همگی باین پرسش مواجه می‌باشند که چگونه می‌توانند با توجه به پویایی‌های قدرت در سطوح داخلی، منطقوی و بین‌المللی، روند موفقیت آمیز بازسازی پس از جنگ را طی نمایند. بازسازی پس از جنگ اجتناب ناپذیر است و دامنه، سرعت و مقیاس آن به پویایی اقتصادهای موجود در کشورهای درگیر، ملاحظات ژئوپولیتیکی بر سرچگونگی بکارگیری از منابع اقتصادی بستگی دارد که کمکها، اعتبارات یا سرمایه‌گذاریها نیز مطابق با اهداف سیاسی قدرتهای منطقوی و جهانی جریان دارد. بنابراین بازسازی ممکن است مرحله جدیدی از رقابت میان بازیگران داخلی، منطقوی و فرمانطقوی درگیر در یک کشور مشخص باشد. بهمین دلیل، نتایج پس از جنگ نیز با کیفیت اتحادها و رقابتهای که در منطقه وجود دارد، تعریف می‌گردد. وضعیت اینچنینی می‌تواند روش چند وجهی پنداشته شده که چگونگی گره خور دن بازسازی پس از جنگ با بازیهای قدرت منطقوی را فراهم می‌نماید.

بخاطرمی آوریم که بتاريخ ۲۴ ماه اسد سال ۱۴۰۰، "طالب"ها وارد کابل شده که متعاقب آن، دولت جمهوری اسلا می افغانستان بر رهبری اشرف غنی ساقط گردیده و قدرت به "طالب"ها که در تعدادی از کشورهای جهان بمتابۀ گروه ممنوعه پذیرفته می‌شدند، تعلق گرفت. بنابراین در نیشته حاضر در مورد آنچه امروز در کشور می‌گذرد و بویژه درباره عوامل سقوط "جمهوری اسلامی افغانستان"، موضوعات و مسائلی را مورد مطالعه و بررسی قرار خواهیم داد. "طالب"ها با بقدرت رسیدن، سایر احزاب سیاسی در کشور را منحل اعلام نمودند. در مجموع، همه آنده از شهروندان کشور که با چگونگی عملکردها و نحوه اقدامات "طالب"ها موافق نبودند، کشور را ترک نموده بخارج از کشور رهسپار شدند، چه در غیر آن، با اقدامات و موضعگیری‌های خشن "طالب"ها مواجه می‌گردیدند. چنانچه شاهد بودیم، حوادث اتفاقیه یکی پی دیگر شعله ور گردیده و جهان و جهانیان شاهد چگونگی رفتار و موضعگیری‌های خشن "طالب"ها در قبال مخالفان شان بودند. قابل یاددهانی پنداشته می‌شود که جنگ و درگیری‌های دوده‌پسین در کشور ما، بگونه معمول بمتابۀ درگیری میان گروههای شورشی از یکجانب و قوت‌های مسلح کشور و نظامیان امریکایی مستقر در اراضی کشور ما پنداشته می‌شد. اما در این مقطع بایست متذکر گردید که بر بنیاد گزارش‌های منابع خبررسانی، بگمان اغلب، اعلامیه ملا نورالدین ترابی که یکی از جمله بنیاد گزاران گروه "طالب"ها بشمار می‌آید، بگونه تمام عیاری، اثبات کننده موضوع فوق پنداشته می‌شود. نامبرده در اعلام نمودن‌ها و دست پریدن‌های شهروندان کشور، شهره می‌باشد. همچنان، نامبرده بجهان در باره مداخله در امور مربوط بحاکمیت جدید

در کشور هشدار داد. شخص متذکره، از جمله یادآور شد که دیگران، اعدام نمودن ها و بدارآویختن مخالفان توسط "طالب" ها را مورد سرزنش قرار می دهند. اما "طالب" ها هیچ زمانی و در هیچ مقطعی ایی در مورد قوانین و اصول موجود اعدام ها و بدارکشیدن های طرف مقابل، سخنی بر لب نیاورده اند. هیچکسی در مورد چگونگی ونحوه تدوین قوانین کشور ما نباید مداخله نماید. نامبرده ادامه داده افزود که راه و رسم مسیر اسلامی در محدوده کشور، همچنان دنبال گردیده و قوانین و مقررات نیز بر بنیاد اساسات اسلامی عیار خواهد گردید. اظهارات ترابی نشان داد که رهبران "طالب" ها، حتا با وجود آنکه آنها تغییرات تکنولوژیکی جهانی از جمله ویدیو و تیلیفون همراه را پذیرفته اند، اما هنوز هم نگاه وطرز دید گروه یادشده، عمیقن محافظه کارانه و بشدت تند روانه می باشد.

با اینحال، با وجود آنکه نیروهای متعارف "طالب" ها در خارج باقی ماندند، اما پایان بازی توسط یک شبکه زیر زمینی تأثیر پذیر از عوامل شهری رقم زده شده و بتاریخ ۵ ما اسد سال پار، پس از آنکه اشرف غنی از کشور فرار نمود، قوت های "طالب" ها کابل را متصرف گردیدند.

در اینجا پرسشی باین شرح مطرح میگردد کآیا در چگونگی سیر حوادث کشور، بازیگران پشت پرده مقصر میباشند؟ در مورد پرسش فوق بایست متذکر گردید که بر بنیاد اظهارات منابع و مراجع دخیل در مطالعات سیاست افغانی، قبل از مسلط گردیدن "طالب" ها بر کابل بتاریخ ۱۰ ماه حوت سال ۱۳۹۸، قراردادی در دوحه (مرکز قطر) بامضأ رسید که بر بنیاد آن، ایالات متحده و ناتویا بایست به فراخواندن نظامیان شان از اراضی متعلق به افغانستان مبادرت ورزیده و "طالب" ها در مقابل، نیز وعده سپردند کاز جادادن و استقرار گروه های "القاعده" در محلات تحت سیطره شان جلوگیری بعمل آورند. اما در واقعیت امر، سیر وقایع در جهت کاملن متفاوتی سیر نمود. چرا چنین شد؟ بسیاری ها، وضعیت اینچنینی را نتیجه یک معامله پشت پرده می پندارند.

بایست با صراحت اظهار گردد که توافقنامه قطر میان ایالات متحده، پاکستان و "طالب" ها، از جمله اسباب فروپاشی و سقوط "جمهوری اسلامی افغانستان" را فراهم نمود. توافقنامه یادشده، بدون حضور نماینده جمهوری اسلامی افغانستان برهبری اشرف غنی به تصویب رسید. دولت افغانستان از تمام جزئیات و مواد توافقنامه یادشده مطلع نبوده و اصلن در جریان امور قرارداده نمی شد. بخش های رسمی و تشریفاتی توافقنامه مورد تایید برخی از کشورها نیز قرار گرفت، اما پروتوکول های سری نیز بگونه بی نام و نشانی تدوین گردیده، از انظار عامه مخفی نگهداشته شده و از درز اطلاعاتی در مورد آنها نیز جلوگیری بعمل آمد.

در مورد اینکه امریکایی ها، پاکستانی ها و "طالب" ها در مورد چه مسایل و موضوعاتی به بحث و مذاکره پرداختند، صرفن می توان به حدث و گمان هایی متوسل گردید. اما واقعیت امر اینست که سقوط و فروریزی دولت افغانستان نتیجه مستقیم خیانت ایالات متحده در قبال کشور عزیز ما پنداشته می شود. بنظر بسیاری از کارشناسان مسایل مربوط بکشور ما، امریکایی ها تصمیم گرفتند تا حضور و موجودیت فعال شان در منطقه را قالب بندی مجدد نموده و تلاش بعمل آوردند تا "طالب" ها را از مخالفان به متحدان خویش مبدل نمایند. موضوع یادشده، بگونه کلی، اسباب تعجب آتعه از نیروهای امنیتی کشور را سبب گردید که بدوستی با ایالات متحده و دفاع کشورهای عضو ناتو از میهن شان باورداشته و در زمینه مطمئن بودند. اما سیاستمداران باین عقیده می باشند که ایالات متحده با اقدامات پسینش، افغانستان را بمثابه کشور تحت الحمایه پاکستان مبدل نمود.

تصادفی نیست که بسیاری از کارشناسان افغان با تلخی یادآور گردیده و خاطر نشان می نمایند که بیشتر از یک سال است که کشور عزیز ما بمثابه پنجمین صوبه پاکستان مبدل گردیده و "طالب" ها نیز بعنوان گروه اشغالگر وارد میدان بازی شده که بگونه واضح و مبرهن، تأمین کننده و تضمین کننده منافع اسلام آباد پنداشته می شوند. بخش عمده اظهارات اینچنینی بگونه قابل توجهی با واقعیت همخوانی دارد، بگونه نمونه، سفیر پاکستان در کابل در شرایط و وضعیت کنونی کشور ما بمثابه چهره پنجم در مجموع افراد و شخصیت های تأثیرگذار در قضایا و سیاست کشور عزیز ما مبدل گردیده است. نامبره به مقامات محلی توصیه هایی ارائه نموده، دیپلومات های کشورهای خارجی را پذیرفته و بمثابه نائب "سلطان" عمل می نماید.

در این میان، یکی از جمله نماینده های بلند پایه "طالب" ها در جریان مصاحبه ای با خبرنگار بی بی سی، ادعای مبنی بر موجودیت ارتباطات و مناسبات "طالب" ها با "القاعده" را مورد تردید قرار داد. نامبرده همچنان یادآور شده و متذکر گردید که در وضعیت و شرایط حاضر، جنگجویان "القاعده" در اراضی متعلق با افغانستان اصلن وجود نداشته و مدت ها قبل سرزمین و اراضی افغانستان را ترک نموده اند.

همچنان، "طالب" ها از موجودیت الظواهری رهبر شبکه "القاعده" اظهار بیخبری کرده ادعا نمودند که از موجودیت و حضور فزیک ایمن الظواهری در کابل صرف زمانی آگاه گردیدند که خبر بقتل رسیدن نامبرده طی عملیات ایالات متحده در کابل در امتداد ماه اسد سال ۱۴۰۱ به نشر رسید. "طالب" ها، از مناسبات و ارتباطات شان با الظواهری بو یژه در امتداد زمانی موجودیت نامبرده در کابل بگونه کلی انکار ورزیدند. همچنان بر بنیاد اظهارات مقامات "طالب" ها، کمیته ای بمنظور انجام تحقیق در مورد قتل الظواهری در کشور تعیین و آغاز بکار نمود. علاوه بر آن، نماینده "طالب" ها تأکید ورزیده و اظهار نمود که سرزمین و اراضی متعلق بافغانستان هیچگاهی علیه ایالات متحده و یا کشوردیگری مورد استفاده قرار نگرفته است و اما اینکه الظواهری چگونه در افغانستان مخفی شده بود، خود داستا ن جداگانه ای می باشد. بگفته نامبرده، به گروهی یاد شده اصلن در سرزمین و اراضی متعلق بافغانستان اجازه ورود و انجام فعالیت داده نشده و اگر فعالیت و یا تحرکی میداشتند، دستگاهای اطلاعاتی "طالب" ها از آن بیخبر نمی بودند.

بر بنیاد گزارشهای منابع خبری و بویژه طبق اظهارات یکی از جمله تحلیل گرهای بازنشسته "سیا"، ممکن در امتداد سال های نزدیک، وضعیت و شرایط نسبتن آرامی در سرزمین افغان ها مستولی گردد، اما موجودیت چنین وضعیتی در افغانستان ممکن گمراه کننده باشد. نامبرده همچنان ادامه داده افزود که ممکن در امتداد چند سال بعدی، شرایط و وضعیت موجود در سال ۱۳۸۰ در افغانستان تکرار گردد، چه با موجودیت و حضور فعال "طالب" ها در رأس قدرت، افغانستان هرگز شاهد استقرار صلح و امنیت سراسری نخواهد بود که در نتیجه تداوم اختلافات و ضد و نقیض گویی های داخلی میان گروهی "طالب" ها، امکان تشکل و عرض وجود نمودن گروهایی که سبب ساز ایجاد معضلات و مشکلات فراه راه "طالب" ها گردند، نیز موجود می باشد.

در مورد تداوم مبارزه بمنظور قدرت بایست خاطر نشان گردد که نیروهای جدید در حاکمیت کنونی کشور با تهدیدهای چند جانبه ای مواجه می باشند. با در نظر داشت تداوم مبارزه یاد شده، اما در اعلامیه رسمی "امارت اسلامی افغانستان"، از جمله تذکر بعمل آمده است که بهمگان این مسأله واضح و مبرهن می باشد که بر بنیاد توافقنامه دوحه، بایست همه نظامیان خارجی اراضی سرزمین محبوب ما را ترک نمایند. توافقنامه یاد شده مورد تأیید سازمان ملل و جامعه جهانی قرار گرفته و همچنان اکثریت کشورهای جهان از آن پشتیبانی بعمل آوردند.

اما همه و بویژه دست اندرکاران مسایل منطقوی چنین پرسشی را مطرح می نمایند که پس از امپراطوری بریتانیا، اتحادشوروی، ایالات متحده و ناتو، اکنون کدام یک از کشورهای جهان خطر حمله بافغانستان را بجان می خرند؟ با وجود اینکه، در وضعیتی که قحطی در سراسر کشور بساط پهن نموده، اما بازی های سیاسی همچنان در شرف تکوین بوده و "طالب" ها بچگونگی وضعیت معیشتی شهروندان کشور را اصلن مورد توجه قرار نداده اند، چه، عمدتن، این سازمان های بین المللی اند که مسؤلیت مبارزه با فقر و گرسنگی در کشور ما را بر عهده دارند. با وجود اینکه، اگر به نحوه انتقال بچگونگی و توزیع کمک های بشردوستانه ای که در امتداد یک سال به کشور ما ارائه می گردد، نظر انداخته شود، تصویر ذیل در ذهن خلق می گردد:

بر بنیاد آمار منتشر شده سازمان ملل، از ماه حمل سال ۱۴۰۰، به تعداد شهروندان کشور که با کمبود حاد مواد غذایی مواجه بودند، ۳۷ درصد افزایش بعمل آمد. بتعداد ۳,۲ میلیون تن کودکان الی پنج ساله در معرض خطر پنداشته می شوند. همچنان میلیون هاتن از افغان های جوان را خطر مرگ ناشی از گرسنگی تهدید می نماید. بر بنیاد آمار منتشر شده توسط یونیسف، در امتداد سال پار بتعداد ۲۲,۸ میلیون تن از شهروندان کشور ما با کمبود مواد غذایی دست و پنجه نرم نمودند.

وضعیت اسف بار و درد آور کنونی برای شهروندان کشور ما اصلن غیر قابل تحمل بوده و اگر در موارد یاد شده، تا دیر نشده اقدامات قاطع و سازنده ای از قوه بفعول مبدل نگردد، نباید بانتظار معجزه نشست، دست روی دست گذاشت و از کنار وضعیت در شرف تکوین نباید بسادگی گذشت. اما بایست یادآوری بعمل آید که تا کنون تنها و تنها یک سوم وجوه تعیین شده برنامه های سازمان ملل برای کشور عزیز ما تمویل شده است. سازمان ملل هشدار داد کاین بمتابۀ " قطره ای در اقیانوس" پنداشته میشود و از کشورهای کمک کننده تقاضاً بعمل آمد تا بگونه فوری وجوه وعده داده شده را تأمین نمایند. اما کشورهای کمک کننده در گام نخست بمنظور حمایت و تأمین نیازمندی های شهروندان شان مؤظف بوده، و در نخستین اقدامات در داخل کشورهای یاد شده، مبارزه علیه کووید و مقابله با رکود اقتصادی و... در صدر مسایل قرار داشت، اما با وجود اینکه، قسمن کمک ها و معاونت های بشردوستانه بکشور ما ارائه گردید. شنبه اول ماه دلو سال ۱۴۰۱ خورشیدی برابر با ۲۱ ماه جنوری سال ۲۰۲۳ ترسای